



An Evaluation of Paul M. Cobb's Study on the Representation of Prophet Hūd (a) in the Qur'ān



Safar Nasirian¹, Hasan Rezaii Haftador², Habibeh Mansouri³

1. Department of Teaching Islamic Knowledge, Farhangian University of Tehran. s.nasirian488@cfu.ac.ir
2. Faculty Member, Department of Qur'ān and Ḥadīth Sciences, Faculty of Theology, Farabi Campus, University of Tehran. hrezaii@ut.ac.ir
3. M.A. in Qur'ān and Ḥadīth Sciences, University of Tehran. habibeh.mansouri113@gmail.com

Article Info

Abstract:

Article type:

Research Article

Print ISSN:

2716-9812

Online ISSN:

2717-3488

Received:2025/05/16

Detected:2025/09/18

Accepted:2025/11/04

Available:2025/11/04

Keywords:

Qur'ān, Prophet Hūd (a), Paul M. Cobb, historical books, Isrā'īliyyāt

Paul M. Cobb, an American orientalist, has researched the representation of Prophet Hūd (a) in the Qur'ān. Despite the novelty of his research, it suffers from some problems that invite external evaluation. Consequently, the purpose of this study is to examine Paul M. Cobb's views on the representation of Prophet Hūd (a) in the Qur'ān through a descriptive-analytical method. Results of the critical analysis of his views on the representation of Prophet Hūd (a) in the Qur'ān are as follows. First, Cobb does not have an accurate understanding of the connection between Prophet Muḥammad (s) and prophets before him, while the relation between the story of Prophet Hūd (a) and Prophet Muḥammad (s) in the Qur'ān illustrates the philosophy of history. Second, to narrate the details of Prophet Hūd's (a) story, he has not used Shī'a books at all. Rather, he has made use of books by authors such as Kasā'ī, Tha'labī, and Ṭabarī; some narrations in these books are among Isrā'īliyyāt. Third, Cobb claims that the story of Prophet Hūd (a) is innovated by Prophet Muḥammad (s). However, qur'ānic, narrative, historical, and intellectual evidence confirm the historical truth of this story and negate any modification by Prophet Muḥammad (s) in it. Finally, his belief that Prophet Hūd (a) did not have any manifest evidence to prove his claim contradicts the view of the Qur'ān and reason that stipulates the necessity of the appointment of Prophets with intellectual evidence and miracles.

Cite this article: Nasirian, Safar (2025). An Evaluation of Paul M. Cobb's Study on the Representation of Prophet Hūd (a) in the Qur'ān, *Religious studies and efficiency*, 5(17), 49-66. https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_20763.html

Publisher: University of Tabriz



آسیب شناسی پژوهش پل ام کاب درباره حضرت هود(ع)

در قرآن



صفر نصیریان^۱، حسن رضایی هفتادری^۲، حبیبه منصوری^۳

۱. گروه آموزش معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان تهران. s.nasirian488@cfu.ac.ir

۲. عضو هیأت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران hrezaii@ut.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران habibeh.mansouri113@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

پل ام کاب (Paul M. Cobb) خاورشناس امریکایی درباره حضرت هود(ع) در قرآن به تحقیق پرداخته است. پژوهش کاب در این زمینه، به رغم جدید بودن روش بحث آن، دچار آسیب‌هایی شده است که ضرورت ارزیابی آن را ایجاب می‌کند. از این رو، هدف جستار حاضر، بررسی دیدگاه‌های پل ام کاب درباره حضرت هود(ع) در قرآن، با روش توصیفی-تحلیلی است. طبق بررسی انجام شده، دیدگاه‌های وی درباره حضرت هود(ع) در قرآن و نقد آن‌ها عبارتند از: کاب درک درستی از ارتباط پیامبران پیشین با پیامبر اسلام(ص) ندارد، در حالی که ارتباط بین داستان زندگی حضرت هود(ع) و پیامبر(ص) در قرآن، بیان‌گر فلسفه تاریخ است؛ وی در نقل جزئیات داستان حضرت هود(ع)، به هیچ وجه از کتب شیعه استفاده نکرده و به سراغ کتاب‌های نویسندگانی چون کسایی، ثعلبی و طبری رفته که برخی روایات این کتب، از اسرائیلیات محسوب می‌شوند؛ کاب داستان زندگی حضرت هود(ع) را ابداع خود پیامبر(ص) دانسته است، در حالی که دلایل قرآنی، روایی، تاریخی و عقلی، گواه حقیقت تاریخی این داستان و نفی هر گونه تصرف در آن توسط پیامبر(ص) هستند. اعتقاد وی به این که حضرت هود(ع) هیچ دلیل روشنی برای اثبات ادعای خویش نداشته است، با ضرورت بعثت پیامبران همراه با دلایل عقلی و معجزات از دیدگاه عقل و قرآن منافات دارد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

کلید واژه‌ها:

قرآن، حضرت هود(ع)، پل ام کاب، کتب تاریخی، اسرائیلیات.

استناد: نصیریان، صفر (۱۴۰۴)، آسیب‌شناسی پژوهش پل ام کاب درباره حضرت هود(ع) در قرآن، دین پژوهی و کارآمدی، ۵ (۱۷)، ۴۹-۶۶.

https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_20763.html

ناشر: دانشگاه تبریز.

۱- مقدمه

در دو قرن اخیر، خاورشناسان به بحث درباره دین پژوهی معاصر به ویژه نقد قرآن و اسلام پرداخته اند. بسیاری از این پژوهشگران جدید به موضوع عدم اصالت آیات الهی پرداخته و وابستگی آن‌ها را به دیگر متون و آیین‌ها بررسی کرده‌اند. این نقدها باعث شده است که قرآن پژوهان و دانشمندان مسلمان در مقام دفاع از قرآن و پاسخ به شبهات مطرح شده برآیند. (ریاحی‌مهر، ۱۴۰۳: ۹۳) ضمن این که در پس نگارش برخی از آثار خاورشناسان، اهدافی استعماری و تبشیری نهفته است و ناآشنایی و یا احاطه اندک آنان به مبانی و منابع اسلامی، موجب بروز برخی از نسبت‌های ناروا در تحقیقاتشان نسبت به معارف و شخصیت‌های قرآنی و اسلامی شده است. از این رو، آشنایی با تحقیقات آنان و نقد دیدگاه‌هایشان ضرورت دارد. این ضرورت وقتی دوچندان می‌شود که به یاد آوریم دانشمندان مسلمان در گذشته، همواره خود را به پاسخ‌گویی انتقادات و اعتراض‌های یهود و نصارا ملزم می‌دانستند؛ چنان که امامان بزرگوار شیعه از جمله: امام صادق(ع) و امام رضا(ع)، از پیشگامان مناظره با مخالفان اسلام و پیروان دیگر ادیان بودند؛ آنان با حضور در مجالس مناظره، شبهه‌ها و پرسش‌های اهل کتاب و زنادقه را پاسخ می‌گفتند. (رضایی هفتادار، ۱۳۹۴: ۴۸)

نام حضرت هود(ع) در قرآن ۷ بار آمده و سوره‌ای از قرآن به نام وی است. (هود: ۵۰، ۵۲، ۵۹، ۵۷؛ شعرا: ۱۲۳؛ رامین‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۴-۲۵) خداوند هود(ع) را پس از حضرت نوح(ع) و پیش از حضرت ابراهیم(ع) بر قوم عاد برانگیخت. قوم عاد پس از طوفان نوح(ع) و با گذشت زمان، از شریعت وی خارج شده و به بت‌پرستی روی آوردند. هود(ع) قومش را انداز کرد و از عذاب الهی ترسانید؛ اما قومش او را به سخره گرفته و می‌گفتند: «آیا آمده‌ای تا ما را از خدایانمان بازگردانی؟ اگر راست می‌گویی، عذابی را که به ما وعده می‌دهی بیاور! هنگامی که عذاب الهی را به صورت ابر گسترده‌ای که به سوی دره‌ها و آگیرهای ایشان در حرکت بود، دیدند، خوشحال شده و گفتند: این ابری است که بر ما می‌بارد، ولی به آن‌ها گفته شد: این همان است که برای آمدنش شتاب می‌کردید. تندبادی وحشتناک و عذابی دردناک است. آن‌ها صبح کردند در حالی که جز خانه‌هایشان چیزی به چشم نمی‌خورد». (احقاف: ۲۱-۲۵)

پل ام کاب خاورشناس آمریکایی درباره حضرت هود(ع) در قرآن به عنوان یکی از پیامبران عرب، بطور گسترده پژوهش کرده است. آسیب‌شناسی پژوهش وی موضوع مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد. لذا این نوشتار می‌کوشد تا با روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که پژوهش پل ام کاب درباره حضرت هود(ع) در قرآن چه آسیب‌هایی دارد؟ تا آنجا که بررسی شد تحقیقی در زمینه پژوهش کاب در باره حضرت هود(ع) در قرآن و آسیب‌شناسی آن انجام نشده است. از آنجا که آسیب‌شناسی پژوهش کاب محل بحث جستار حاضر است، در ادامه به زندگی‌نامه علمی وی اشاره می‌شود.

۱-۱. زیست‌شناخت علمی پل ام کاب

پل ام کاب در سال ۱۹۶۷ در ایالات متحده آمریکا دیده به جهان گشود. وی در سال ۱۹۸۹ مدرک کارشناسی خود را در رشته انسان‌شناسی از دانشگاه ماساچوست و در سال ۱۹۹۱ کارشناسی ارشد را در رشته زبان‌ها و تمدن‌های خاور نزدیک از دانشگاه شیکاگو دریافت کرد و پس از آن در مرکز مطالعات عربی در قاهره مصر به پژوهش پرداخت. وی در سال ۱۹۹۷ دکترای خود را در رشته تاریخ اسلام از دانشگاه شیکاگو اخذ کرد. او در خلال سال‌های ۱۹۹۶-۹۷ در دانشگاه اسمیت، ۹۹-۱۹۹۷ در دانشگاه ویک فارست و ۱۹۹۹-۲۰۰۸ در دانشگاه نوتردام و از سال ۲۰۰۸ تاکنون در دانشگاه پنسیلوانیا به تدریس تاریخ اسلام پرداخته و مشغول است. بررسی دوره قرون وسطی، حضرت هود در قرآن، تاریخ جنگ‌های صلیبی، روابط اسلام با جهان غرب و اِرم در قرآن، مهم‌ترین زمینه‌های پژوهشی او را تشکیل می‌دهد. (Cobb, 2002: 2/462-464)

اما رویکرد اصلی کاب در پژوهش خود درباره حضرت هود(ع) در قرآن، همانند بسیاری از خاورشناسان معاصر در مطالعات قرآنی‌شان، مبتنی بر مطالعات بینا متنی است. خاورشناسان در این رویکرد، کتب یهودی-مسیحی را مبنای قضاوت خود درباره صحت و سقم آیات قرآن قرار داده و در نتیجه، از مطالعه درون متنی قرآن فاصله می‌گیرند.

۲. دیدگاه‌های پل ام کاب درباره حضرت هود(ع) در قرآن

به طور معمول، پژوهش‌های خاورشناسان درباره قرآن، به رغم جدید بودن روش‌هایی که به کار می‌بندند، مبتنی بر مبانی اومانیستی و پیش‌فرض‌های دینی (یهودی و مسیحی) است، از این رو چنین تحقیقاتی از آسیب‌هایی رنج می‌برد. پژوهش کاب درباره حضرت هود نیز از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین در ادامه، ابتدا به امتیازات این پژوهش به صورت خلاصه اشاره و آنگاه آسیب‌های آن را به طور تفصیلی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

امتیازات روش‌شناختی کاب در پژوهش پیش‌گفته به صورت کلی عبارتند از:

- وی جهت ارائه تصویری کامل از موضوع مورد بحث، تتبع گسترده‌ای در آیات داشته است.
- او برای هر مطلبی به آیه‌ای از قرآن استناد می‌کند و این مطلب حاکی از تسلط وی به آیات قرآن است.
- او توضیحاتی در ذیل هر آیه بیان می‌کند که به جز چند مورد خاص این توضیحات مفیدند. (Cobb, 2002: 2/462-464)

اما در پژوهش کاب درباره حضرت هود(ع) آسیب‌هایی وجود دارند. این آسیب‌ها نیازمند بررسی تفصیلی هستند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۲-۱. عدم اشاره به ارتباط حضرت هود(ع) با پیامبر اسلام (ص)

به رغم آن که قرآن داستان پیامبران گذشته را در جریان زندگی پیامبر(ص) مطرح می‌کند و برخی خاورشناسان نیز به این ارتباط توجه کرده‌اند (Goldman, 2003: 3/55-57; Hasson, 2001: 1/495-497; Rubin, 2003: 3/444) با این حال، پل ام کاب، در پژوهش خود به ارتباط حضرت هود(ع) با پیامبر اسلام(ص) اشاره‌ای نکرده است. (Cobb, 2002: 2/462-464)

۲-۱-۲. بررسی

پل ام کاب در پژوهش خود درباره حضرت هود(ع)، به ارتباط وی با پیامبر اسلام(ص) و این که قرآن داستان پیامبران پیشین از جمله حضرت هود(ع) را در بستر شرایط مشابه زندگی پیامبر اسلام (ص) مطرح کرده، اشاره‌ای ننموده است. این روش قرآن‌بیانگر آن است که هدف قرآن از بیان داستان پیامبران گذشته، صرفاً داستان‌سرایی نبوده؛ بلکه این داستان‌ها در جهت عبرت‌آموزی از سرگذشت امت‌های گذشته، بیان فلسفه تاریخ و این که برخی حوادث مشابه، علت‌های یکسانی دارند و انسان می‌تواند این علل را تحت کنترل خود درآورد، بیان شده‌اند.

بر اساس منطق قرآن، علت مخالفت اقوام پیامبران با آنها، تعصبات کورکورانه از پیشینیان و اعتقاد به برخی عقاید موهوم است (اعراف: ۱۳۲؛ هود: ۵۴؛ شعرا: ۷۴؛ زخرف: ۲۲). هدف قرآن از پرداختن به بیان داستان پیامبران پیشین در تحمل رنج و سختی‌ها و یا موفقیت‌هایی که کسب می‌نمودند، آرامش بخشیدن و یا امید دادن به پیامبر اسلام(ص) است که عاقبت کار او نیز مانند سایر پیامبران، به پیروزی ختم خواهد شد و مستکبران قومش راه به جایی نخواهند برد. (یونس: ۱۰۳؛ روم: ۴۷؛ غافر: ۵۱؛ مجادله: ۲۱)

۲-۲. داستان هود(ع) در کتب طبری، ثعلبی و کسایی

کاب ضمن استناد به کتب طبری، ثعلبی و کسایی در داستان حضرت هود(ع) و تأکیدش بر آمیختگی این داستان با باورهای عامیانه، برخی از این باورها را در جریان عذاب قومش گزارش می‌کند:

پس از سال‌ها مخالفت، هود(ع) از خدا خواست تا عادیان را به سبب شرارتشان عقوبت کند. خداوند دعایش را مستجاب کرد و قوم عاد را به یک قحطی چهار ساله گرفتار ساخت. به همین علت، پادشاه عاد - به رسم آن روزگار - هیأتی مرکب از هفت فرد سرشناس از جمله یکی از پیروان هود(ع) به نام مرثد را به مکه فرستاد تا چاره این گرفتاری را از خدا بجویند. این عده، مدتی طولانی به مهمان نوازی‌های پادشاه کافر مکه سرگرم شدند و سپس به سوی حرم رفتند، اما اجازه ورود نیافتند. خداوند درخواست مرثد مسلم را برآورد و سه ابر فرستاد: یکی سرخ، یکی سفید و دیگری سیاه. در دل آخرین ابر فرشته گماشته شده بر «باد خشک» قرار داشت که هلاک‌کننده نهایی قوم عاد بود. خداوند به رئیس آن هیأت فرمان داد یکی از ابرها را انتخاب کند تا برای عادیان فرستاده شود. رئیس آن هیأت

که می اندیشید ابر سیاه ابری باران زاست همان را انتخاب کرد و با این کار نیروی ویرانگر ابر را به سوی سرزمین عاد و تمامی ساکنانش به جز پیروان هود روانه ساخت. (Cobb, 2002: 2/463)

۲-۲-۱. بررسی

آسیب شناسی این بخش از دیدگاه های کاب در دو بخش قابل بررسی است:

۱-۲-۲. بررسی سندی روایات

کاب در نقل داستان هود(ع) به نقل مطالب برخی کتب اهل سنت از جمله کتب طبری، ثعلبی و کسای بسنده کرده و به هیچ روی از کتب شیعه استفاده نکرده است. داستان هایی که در مورد هود (ع) از کسای، ثعلبی و طبری نقل شده به صحابیان و تابعانی چون ابن عباس، سدی، کلبی، محمد بن اسحاق بن یسار و وهب بن منبه برمی گردد. در این میان، در رتبه اول، وهب بن منبه و در رتبه بعدی، محمد بن اسحاق (سمعانی، ۱۹۸۰: ۱۳۴/۱۱) از ناقلان اسرائیلیات اند.

طبری در تفسیرش بیان می کند داستانی که او درباره حضرت هود(ع) نقل کرده، قبل از وی هیچ جا ذکر نشده است (طبری، ۱۳۵۶: ۱۱۷۸/۵). این مسأله از اعتبار داستان طبری می کاهد.

کتاب ثعلبی با عنوان *قصص الأنبياء*، از نظر ساختار و محتوا از تفسیر و تاریخ طبری تاثیر پذیرفته است؛ چنان که بخشی از نقل قول های آن بدون سند بوده و بخشی دیگر به رغم اتصال سند، در طرق آن، نام استاد وی ابن فنجویه بیش از دیگران به چشم می خورد. (ثعلبی، بی تا: ۱۰، ۳۰، ۳۹، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۶۴، ۷۱، ۹۱، ۱۴۸، ۱۴۹)

هویت نویسنده کتابی تحت عنوان *قصص الأنبياء* که کاب آن را به کسای نسبت داده، نامعلوم است. این کتاب تحت عناوینی همچون، *بدء الدنيا و قصص الأنبياء*، *قصص الأنبياء و المبتدأ و بدء الخلق و قصص الأنبياء* در جوامع اسلامی رواج یافته است. (دزفولیان، ۱۳۹۴: ۵۵)

با مقایسه داستان هود(ع) در کتب شیعه و اهل سنت، می توان به تفاوت هایی بین مطالب نقل شده آن ها پی برد. مقایسه داستان هود (ع) در بیان کسای، طبری و ثعلبی (کسای، ۱۹۹۸: ذیل داستان هود(ع)؛ طبری: ۲۲۶-۲۱۶؛ ثعلبی، بی تا: ۵۳-۵۷) با بیان کتب شیعه (یعقوبی، بی تا: ۲۲/۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۸-۳۰۷/۱۰؛ رسولی محلاتی، ۱۳۸۲: ۸۹-۹۹)، این حقیقت را می نمایاند که کتب شیعه، داستان هود (ع) را بسیار مختصرتر از این کتب نوشته اند.

طبعاً وقتی کتب اهل سنت به جمع آوری جزئیات بیشتری از داستان حضرت هود(ع) اهتمام داشته اند، این کار، لغزش برخی مطالب این کتب را محتمل تر می کند. متأسفانه، طمع ورزی برخی نویسندگان در بیان جزئیات بیشتری از داستان این پیامبر و نیز سایر پیامبران(ع) باعث شده است که آنها هر مطلب و اطلاعاتی را که در این زمینه بدان دست یافته اند، بی کم و کاست در کتب خود نقل کنند و این کار، مجال تطبیق درستی این اطلاعات و سازگاری آن ها را با روح تعالیم قرآن از سوی نویسندگانشان از بین برده است.

۲-۱-۲. بررسی متنی روایات

در کتب اهل سنت، به نام افرادی که برای طلب آب به مکه رفته و نزد معاویه بن بکر - رئیس مکه و از نزدیکان مادری قوم عاد- به کارهای لهو و شرب خمر پرداخته و به آوازه‌خوانی زنان فاسد سرگرم شده بودند و تازه بعد از یک ماه به زیارت خانه خدا رفته‌اند، اشاره شده است. بر اساس این کتب، در میان این افراد، برخی از یاران هود(ع) نیز بوده‌اند (طبری، ۱۹۶۷: ۲۱۶/۱-۲۲۶؛ ثعلبی، بی‌تا: ۵۳-۵۷). اما منابع شیعی به این جمله اکتفا کرده‌اند که فرستادگان، چهل روز به طواف کعبه و انجام سایر مراسم مشغول بودند. (یعقوبی، بی‌تا: ۲۲/۱) می‌توان گفت آنچه که کتب شیعه نقل کرده‌اند، به دلایل ذیل به واقعیت ماجرا نزدیکتر است:

۱. به طور معمول در نقل جزئیات حوادث تاریخی تحریف‌هایی رخ می‌دهد که منابع شیعی از نقل آن‌ها خودداری کرده‌اند.

۲. با آن که افراد گسیل شده که تا هفتاد تن هم ذکر شده‌اند، از کافران بوده و به دستور سران کافر خود و در جهت مقابله با نفرین حضرت هود(ع) که آن‌ها را به قحطی انداخته بود، راهی مکه شده بودند، فارغ از نیت شوم این افراد، باید توجه داشت که تعدادی از آن‌ها، از یاران هود(ع) بوده و نسبت لهو و لعب به آن‌ها نادرست است و لازم است این افراد، از عمومیت داستان استثنا شوند. در منابع اهل سنت ذکر شده که یکی از یاران هود(ع) به نام مرثدبن سعدبن عفیر که ایمان خود به هود(ع) را کتمان کرده بود، سرانجام زمانی که آن‌ها خواستند برای زیارت و درخواست آب بروند، اظهار ایمان کرده و به آن‌ها گوشزد نمود که قطعاً با این کار به آب نمی‌رسند؛ بلکه اگر از پیامبرشان اطاعت کرده و از گناهان خود توبه کنند، به آب می‌رسند. این سخن وی موجب شد تا بین فرستادگان در زمینه درخواست یا عدم درخواستشان، دو دلی پیش آید؛ به طوری که بعضی افراد به کلی از درخواستشان صرف‌نظر کرده و برخی نیز در خواسته خود، حضرت هود(ع) را واسطه قرار دادند. (طبری، ۱۹۶۷: ۲۲۱/۱-۲۲۰)

مطالب این کتب، برخلاف اهداف کلی داستان است که می‌گوید فرستادگان به قصد طلب آب و راز و نیاز با خداوند به مکه مشرف شده بودند، ولی از رسالت خود صرف‌نظر کرده و قوم خود را فراموش نموده و آن‌ها را به حال خود رها کردند.

۳. در داستان طلب آب توسط برخی از افراد قوم عاد، رسیدن خطاب الهی به آن‌ها در اجابت خواسته‌شان، آن‌ها را در انتخاب یکی از سه گزینه یعنی ابر سیاه، سفید و سرخ مخیر کرده ولی آنان از روی نادانی، دست به انتخابی ناگوار زدند. این بخش از داستان که برای افراد مشرک و گناهکار حالتی وحی‌گونه تصویر کرده است، به افسانه‌ها شبیه‌تر است تا واقعیت؛ زیرا بر اساس مبانی دینی، وحی و الهام مختص پیامبران و اولیای الهی است و شامل افراد مشرک و گناهکار نمی‌شود. ضمن این که خداوند در استجاب دعای افراد مذکور، آن‌ها را اغراء به جهل کرده و آنان را نادانسته به انتخاب گزینه‌ای ویرانگر وادار نموده است که مسلماً این نوع توجه از سوی خداوند نسبت به درخواست بندگان و لو این که مشرک یا گناهکار باشند، سابقه ندارد. طبق بیان قرآن، خداوند در درخواست فرعون و قومش که از بندگان مشرک بودند، عذاب را از آنان برداشت. چنان که می‌فرماید: ﴿وَلَمَّا

وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرَّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرَّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ * فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرَّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُمْ بِالْغَوَةِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ ﴿اعراف: ۱۳۵-۱۳۴﴾

۲-۳. ابداع نام هود و اقتباس آن از واژه یهود توسط پیامبر(ص)

کاب به اصالت تاریخی حضرت هود(ع) و داستان وی، به دلیل تعلق آن به منطقه شبه جزیره عربستان که خارج از محدوده معمول ظهور پیامبران - منطقه بیت المقدس و نواحی اطراف آن - است، نگاهی تردید آمیز دارد. از این رو، سعی می‌کند تا با تشکیک در واقعیت تاریخی حضرت هود(ع) آن را دست ساخته‌ی پیامبر اسلام(ص) با اقتباس از برخی واژگان رایج در سنت یهودی- مسیحی معرفی کند. وی در این خصوص می‌نویسد: «شاید نام «هود»(ع) ابداع شخص محمد(ص) باشد که در جستجوی نامی برای بیم‌دهنده‌ی قوم عاد که با «لوط» و «نوح»(ع) هماهنگ باشد، «هود» را از «یهود» ساخته است. «Cobb, 2002: 2/462»

۲-۳-۱. بررسی

این اعتقاد کاب که شاید نام هود(ع) بر ساخته پیامبر(ص) باشد و داستان هود(ع) را با داستان پیامبرانی هم‌چون نوح و لوط(ع) که مورد اشاره کتاب مقدس اند هماهنگ کرده باشد، به این واقعیت برمی‌گردد که از نظر وی، نام حضرت هود(ع) در کتب دینی یهودی- مسیحی وجود ندارد، چنان که اکثر خاورشناسان در پژوهش‌های خود از همین خلأ استفاده کرده‌اند.

در جواب اجمالی به این دیدگاه، باید گفت که اولاً، نقل نشدن مطلبی در منبعی، به معنای نبود آن مطلب به طور مطلق نیست؛ ثانیاً، ابتدای دیدگاه پیش گفته بر پیش فرض‌های مذهبی، به رغم ادعای خاورشناسان مبنی بر رعایت اصل بی طرفی در مطالعات شرق‌شناسی و اسلام‌پژوهی نادرست است. اما دلایل تفصیلی واقعیت تاریخی حضرت هود(ع) در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرند.

۱-۲-۳. دلایل قرآنی

با توجه به آیاتی از قرآن، می‌توان پی برد که ادعای ساختگی بودن روایت‌های قرآن، به شکل عام و داستان حضرت هود(ع) به طور خاص باطل است. برای نمونه به آیاتی در این زمینه اشاره می‌شود:

۱. تأکید قرآن بر اخبار غیبی پیامبران، بیانگر رابطه تسلسلی و تاریخی پیامبران با یکدیگر است. بنابراین، در قرآن، سرگذشت پیامبر اسلام(ص) با پیامبران پیشین عجین شده است. از این رو قرآن، گاهی خبر از سرگذشت پیامبران پیشین مانند حضرت هود(ع) و گاهی نیز از زبان پیامبران پیشین، به آمدن پیامبران بعدی از جمله پیامبر اسلام(ص) بشارت می‌دهد که در کتب آسمانی خود آنها نیز وجود دارد که در ادامه به این دو نوع ارتباط اشاره می‌کنیم:

الف) پیامبران آینده از آمدن پیامبرانی در گذشته خبر غیبی می‌دهند که خبر قرآن به واسطه پیامبر(ص) از سرگذشت حضرت هود(ع) در کنار حضرت نوح، صالح، لوط، ابراهیم و شعیب(ع) از آن جمله است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ﴾ (هود: ۸۹)

ب) قرآن در چندین مورد بیان می‌کند که پیامبران گذشته به آمدن پیامبرانی در آینده را به نام، بشارت می‌دهند. (آل عمران: ۴۵؛ مریم: ۷؛ الصف: ۶)

بدین ترتیب، ارتباط تسلسلی پیامبران با یکدیگر به طور عام و مشابهت وقایع زندگی پیامبر اسلام (ص) و امتش با وقایع زندگی حضرت هود(ع) و قوم او، تنها دلیل روایت داستان حضرت هود(ع) است؛ چنان‌که بشارت پیامبران به آمدن پیامبران بعدی ارتباطی تنگاتنگ با وضعیت امت‌های پیامبران پیشین داشته است تا به آینده جهان به رغم ظلم‌ها و فشارهای مستکبران، امیدوار باشند.

۲. خداوند درباره قرآن می‌فرماید: ﴿تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ * لَا خَذَنَّا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (الحاقه: ۴۳، ۴۴، ۴۵ و ۴۶)؛

«آیات فوق، دو مطلب را مفروض گرفته است: یکی نزول قرآن از جانب پروردگار جهانیان و دوم تهدید پیامبر(ص) به عذاب سخت، در صورتی که از پیش خود، دروغی را بر خداوند ببندد» (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۴۰۴/۱۹-۴۰۵)

حال با توجه به این که خداوند به هیچ وجه نسبت به پیامبرش چنین تهدیدی را عملی نکرده معلوم می‌شود که پیامبر(ص) از جانب خود چیزی در قرآن وارد نکرده و هیچگونه دخل و تصرفی در آن صورت نداده است. بنابراین، داستان «هود» که در قرآن آمده، ساخته پیامبر(ص) نیست.^۱

۲-۱-۲. دلایل روایی

در پاسخ به ادعای کاب مبنی بر ساختگی بودن داستان حضرت هود (ع) می‌توان به برخی روایات ذیل که خود مشتمل بر شواهد تاریخی بوده و حاکی از وقایع قبل از اسلام‌اند، تمسک جست:

۱. اصیغ بن نباته گوید بعد از رحلت پیامبر اسلام(ص)، مردی از اهالی یمن به مدینه آمد و در محضر امام علی(ع) اسلام آورد و سپس اشعار بلیغی خواند. امام(ع) او را تحسین کرده فرمود: «حضر موت را خوب می‌شناسی؟» گفت: «آری»، فرمود: «جای احقاف را میدانی؟» پاسخ داد: «گویا از قبر هود پیامبر(ع) پرسش

۱. مقدمات و نتیجه استدلال فوق به این شرح است:

الف) قرآن فرود آمده‌ای از جانب پروردگار جهانیان است که هیچ گونه دخل و تصرفی در آن صورت نگرفته است.

ب) خداوند در قرآن می‌فرماید اگر پیامبر(ص) پاره‌ای گفته‌ها بر ما بسته بود، رگ قلبش را پاره می‌کردیم.

ج) خلف وعده در ذات باری تعالی راه ندارد.

د) در قرآن کلمه هود آمده است.

نتیجه: حضرت هود (ع) که در قرآن آمده است، ساخته و پرداخته شخص پیامبر(ص) نیست.

داری؟» فرمود: «خدا خیرت دهد، خطا نرفتی». گفت: «آری در دوران جوانی با گروهی از نوجوانان عشیره بیرون شدیم و قصد ما زیارت قبر آن حضرت بود که شهرت فراوانی داشت و در میان ما بسیار از او گفتگو می‌شد. در شهرها و سرزمین‌های احقاف چند روز گردش کردیم و یکی در میان ما بود که آنجا را می‌شناخت، رفتیم تا آن مرد ما را نزدیک تپه‌ای سرخ رنگ رساند که در آن غارهای زیادی بود. به درون یکی از آن‌ها رفتیم و مدتی طولانی در آن پیش رفتیم تا به دو سنگ رسیدیم که میان آنها درزی بود. مرد لاغر اندام می‌توانست درون آن درز برود و من درونش رفتم. مردی را بر تختی خفته دیدم، او تیره رنگ و کشیده چهره با ریش انبوه بود، وی تنی خشکیده داشت. چون دست بر جایی از تنش می‌کشیدم سفت بوده و پوسیده نشده بود. بالای سرش نوشته‌ای به زبان عبرانی بود که در آن نگارش شده بود منم هود پیغمبر به خدا ایمان آوردم و بر تیره عاد از کفر و ناسپاسی خدا نگران بودم و برای فرمان خدا برگشتی نیست». (کراجکی، ۱۴۱۰: ۳۸۱/۱-۳۸۲؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۱۶/۱)

در این روایت شواهدی وجود دارد که احتمال کذب بودن داستان هود(ع) را منتفی می‌کند:
(الف) مردی تازه مسلمان که قبل از ورودش به مدینه بر ملیت دیگری بوده، به نقل جریان حضرت هود(ع) می‌پردازد.

(ب) محل زندگی آن مرد یعنی حضرموت، نزدیک به مکان دفن حضرت هود(ع) یعنی احقاف است.
(ج) چهره سالم مانده حضرت هود(ع) سیاه چرده بودن وی را می‌رساند که این ویژگی، دقیقاً بر ساکنان منطقه جنوب شبه جزیره عربستان و مشرف به دریای عرب در زمان فعلی تطبیق می‌کند.
(د) قامت بلند حضرت هود(ع) که در روایت بر آن تأکید شده است، با آیات قرآن درباره ویژگی بلند قامت بودن قوم عاد تطبیق می‌کند. قرآن قوم هلاک شده عاد را به تنه بر زمین افتاده درختان خرما تشبیه کرده است. (الحاقه: ۷)

(ه) بالای سر حضرت هود(ع) نوشته‌ای به زبان عبرانی وجود داشت که ظاهراً خود او آن را نگاشته بود. این نوشته مشخصات وی را بازگو می‌کرد. از این جا معلوم می‌شود که او زبان عبری نیز می‌دانسته است و از این طریق می‌توان به ارتباط وی با پیامبر معروف قبل از خودش یعنی حضرت نوح(ع) قائل شد که به احتمال زیاد عبرانی می‌دانسته است. نوح(ع) به آمدن حضرت هود(ع) پس از خودش بشارت داده بود. همین مسأله باعث می‌شود تا عقیده کاب در اقتباس داستان هود(ع) از داستان حضرت نوح و لوط(ع) باطل شود.

۲. نصر بن مزاحم با سند خود از اصبع بن نباته نقل کرده است: «در نخیله، قبر بزرگی بود که یهودیان مردگان خود را در اطراف آن دفن می‌کردند. علی(ع) فرمود: مردم درباره‌ی این قبر چه می‌گویند؟ حسن بن علی(ع) عرض کرد: می‌گویند این، قبر هود پیامبر(ع) است که قومش از وی سرپیچی کردند و او به این جا آمد و در این جا مرد. علی(ع) فرمود: آنان دروغ می‌گویند. من از آنان دانایترم. این، قبر یهودا فرزند یعقوب فرزند اسحاق فرزند ابراهیم است. او نخستین فرزند یعقوب بود. سپس علی(ع) فرمود: آیا کاردانی در این جا هست؟ پیرمرد کهن‌سالی را آوردند. علی(ع) فرمود: خانه‌ات کجاست؟ پیرمرد گفت: در ساحل دریا.^۱ علی(ع)

۱. مقصود ساحل جنوبی شبه جزیره عربستان که مشرف به دریای عرب است که همان حضرموت است.

فرمود: کجای تپه‌ی سرخ؟ پیرمرد گفت: نزدیک آن جا. علی(ع) فرمود: قوم تو درباره‌ی آن جا (قبر) چه می‌گویند؟ پیرمرد گفت: می‌گویند: قبر ساحری است. علی(ع) فرمود: دروغ می‌گویند. آن، قبر هود(ع) و این، قبر یهودا نخستین فرزند یعقوب است». (منقری، ۱۴۰۴: ۱۲۶-۱۲۷)

در این روایت نیز شواهد دیگری دال بر درستی داستان حضرت هود(ع) وجود دارد:

الف) حضرت علی(ع) در منطقه‌ای یهودی وارد می‌شود. در آن جا مقبره‌ای بزرگ وجود دارد که زیارت‌گاه مردمان است. آن‌ها گمان می‌کنند که این قبر متعلق به حضرت هود(ع) است. به احتمال زیاد، این گمان به دلیل مشابهت اسمی بین آن دو است که جناب کاب را هم همین مشابهت واداشته تا احتمال اقتباس نام حضرت «هود» از واژه «یهود» را مطرح کند. البته، حضرت علی(ع) برخلاف عقیده یهودیان، این قبر را متعلق به یهودا، فرزند ارشد یعقوب نبی(ع) می‌داند. این مطلب که یهودیان آن قبر را متعلق به حضرت هود(ع) می‌دانند حتی اگر به دلیل هم‌نوایی با اعراب بوده باشد، این انتساب نشان از شهرت و آوازه بسیار زیاد حضرت هود(ع) دارد.

ب) نشانه خانه پیرمردی که ساکن ساحل دریا در نزدیکی تپه‌ای سرخ است، با نشانه منطقه‌ای که حضرت هود(ع) در آن جا ساکن بوده و مقبره‌اش در آن جاست، یکی است.

۳. بر اساس برخی روایات، حضرت نوح(ع) به آمدن حضرت هود(ع) پس از خودش بشارت داده است (طیب، ۱۳۷۸: ۶۸/۷-۶۹)؛ چنان که نقل است: «چون زمان پیامبری نوح(ع) سپری گشت و روزگارش پایان یافت خداوند به او وحی فرستاد که: ای نوح! همانا پیامبری تو سپری گشت و روزگارت پایان یافت، پس علم، ایمان، اسم اکبر، میراث علم و نشانه‌های دانش پیامبری را در میان نسل خود قرار ده که من آن را هرگز نگسلم چنان که از خاندان پیامبرانی که میان تو و آدم بودند نگسلیدم و زمین را خالی از عالمی نگذارم که توسط او دین و طاعت من شناخته می‌شود و وسیله نجات مردمی که از زمان وفات پیامبری تا بعثت پیامبری دیگر آیند، فراهم می‌گردد. نوح(ع) مژده آمدن هود(ع) را به فرزند خود سام داد و میان نوح تا بعثت هود پیامبرانی بودند. نوح فرمود: خداوند پیامبری خواهد فرستاد به نام هود(ع) که مردمش را به سوی خدا فرا خواند و همگان او را تکذیب کنند و خداوند با طوفان ایشان را به هلاکت رساند. پس هر که از شما وی را درک کرد باید به او ایمان آورد و از وی پیروی کند تا خداوند او را از این طوفان رهایی بخشد». (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱۵/۸؛ صدوق، ۱۳۹۵: ۱۳۵/۱)

روایت مذکور، محفوف به قرائن عقلی است. در این روایت، استمرار نبوت مبتنی بر یک دلیل عقلی است، به این نحو که وجود مستمر هدایت‌گری در میان مردم و خالی نشدن زمین از حجت الهی در تمام اعصار ضرورت دارد. بنابراین، دلیل عقلی موجود در روایت، هم گواه بر درستی روایت و نیز گواه درستی آیات مرتبط با هود(ع) است که فاصله نسبتاً زیاد بین نبوت حضرت نوح(ع) و حضرت ابراهیم(ع) در کتب یهودی-مسیحی را جبران می‌کند. از این رو، راه توجیه این فاصله بیان وجود داستان حضرت هود(ع) در این کتابهاست که در اثر تحریف از بین رفته است و یا بیان دلیل فاصله مکانی بین محل تبلیغ نوح(ع) و هود(ع) که متعلق به دو حوزه تمدنی مجزا هستند و همچنین دشواری ارتباط جغرافیایی مردمان این دو منطقه با هم‌دیگر بوده است؛ که کتب مقدس از ذکر داستان حضرت هود(ع) خودداری کرده‌اند.

۳-۲-۱. دلایل تاریخی

مستندات تاریخی نیز شاهد نادرستی دیدگاه کاب مبنی بر ساختگی بودن داستان هود(ع) است:

۱. روایت داستان هود و صالح(ع) همچون داستان حضرت ابراهیم(ع)، نزد اعراب جاهلی شهرت بسیاری داشت؛ چنانکه در اشعار شاعران عصر جاهلیت، به اقوام عاد و ثمود و عاقبت کارشان به وفور اشاره می‌شود. (طبری، ۱۹۶۷: ۲۲۰/۱-۲۲۴)

۲. پیامبران منطقه شبه جزیره منحصر به پنج پیامبر معروف عرب یعنی اسماعیل، هود، صالح، شعیب(ع) و پیامبر اسلام(ص) نیستند که قرآن به صراحت از آنها نام برده است؛ بلکه قرآن از پیامبرانی نام می‌برد که برای قوم تُبَع (متعلق به تمدن یمن) مبعوث شده بودند. بنابراین، اگر کاب درباره این پنج پیامبر معتقد به ساختگی بودن باشد، بقیه پیامبران حوزه تمدنی شبه جزیره را چگونه می‌خواهد حل و فصل نماید.

۳. ممکن است بگوییم به این دلیل در کتاب مقدس فعلی از قوم عاد و ثمود و دو پیامبر الهی؛ هود و صالح(ع) ذکری نیست که دست تحریف در آنها راه یافته است. شاهد اول، آن که از کعب‌الاحبار^۱ نقل شده است: «در خاتمه تورات، سوره هود (یا داستان هود) بوده است» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۱۴/۵). شاهد دیگر، آن که امروزه برخی کتب یهودیت و مسیحیت، به صورت اپوکریفا (کتاب‌های غیرقانونی) باقی مانده‌اند که از برخی مسائل فراموش شده پرده برمی‌دارند.

به نظر می‌رسد دلیل این تحریف آن باشد که یهودیان، اعراب را از خود ندانسته و نسبت به آنان کینه‌ورزی داشته‌اند. اما دلیل این که محمد(ص) و اسماعیل(ع) در تورات باقی مانده، تحریف معنوی داستان آنها و مصادره به مطلوب کردن آنها به نفع یهودیت است. یهودیان جریان ذبح را به جای اسماعیل(ع)، به اسحاق(ع) نسبت می‌دهند و پیامبر(ص) را از نسل اسحاق معرفی می‌کنند.

۴. اگر بنا باشد امثال کاب، کتاب مقدس را به دلیل تقدم تاریخی آن بر قرآن، ملاک قضاوت خود درباره وجود یا عدم وجود پیامبری قرار دهند، در این صورت پیامدهای متعدد تاریخی، متوجه کار وی می‌شود که برخی عبارتند از:

الف) داستان‌های کتاب مقدس درباره پیامبرانی که پیش از حضرت موسی(ع) مبعوث شده‌اند، به دلیل آن که از تاریخ گذشته سخن می‌گویند، توجیه‌ناپذیر و غیرقابل اعتمادند، در حالی که حجم قابل توجهی از داستان‌های آن را همین نوع داستان‌ها تشکیل می‌دهند و خاورشناسان همواره روایت این داستان‌ها را بدون هیچ خدش‌ای پذیرفته‌اند.

ب) مگر پیامبران الهی محصور در پیامبرانی است که کتاب مقدس از آنها نام برده است؛ چنان که قرآن به پیامبران پیشین دیگری هم بدون ذکر نام آنها اشاره دارد؛ مانند پیامبرانی که در سوره یس از آنها نام برده شده است (یس: ۱۸). بر اساس برخی روایات نیز، پیامبران یهود به ششصد پیامبر می‌رسیده (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲/۱۱) که نام بسیاری از آنها معلوم نیست و حتی در کتاب مقدس این تعداد پیامبر ذکر نشده است؛ چنان که

۱. کعب‌الاحبار که یهودی بوده و مسلمان شد در روزگار عمر بن خطاب زندگی می‌کرد. او اطلاعات زیادی از کتب عهد عتیق و عهد جدید و داستان‌های مربوط به پیامبران گذشته داشت. (ورام، ۱۴۱۰: ۵/۲)

بالعکس اسامی بسیاری از پیامبران الهی در کتاب مقدس آمده است، مانند دانیال و حزقیل(ع) که در قرآن خبری از آنها نیست.

۴-۳-۲. دلیل عقلی

نبود داستان پیامبری در کتابی آسمانی و ذکر آن در کتاب آسمانی دیگر، به هیچ وجه دلیلی بر نفی اصالت آن داستان نیست؛ زیرا وحیانی بودن این کتب و استناد آن‌ها به خداوند، بدان معناست که بیان یا عدم بیان آن‌ها، بر مبنای حکمت الهی صورت می‌گیرد نه بر اساس خوشایند افراد. شاید یکی از حکمت‌های این مسأله که چرا در کتب مقدس یهودی- مسیحی از برخی پیامبران قرآن، نامی به میان نیامده است آن باشد که کتب آسمانی، با توجه به شرایط منطقه‌ای که در آن نازل شده‌اند، به بیان داستان‌هایی پرداخته‌اند که متناسب با پیش‌زمینه‌های ذهنی مردمان آن مناطق بوده است.^۱ بنابراین، طبیعی است که کتب آسمانی قبل از قرآن، به دلیل عدم دسترسی به منطقه شبه جزیره و سختی ارتباط با آن منطقه، از بیان داستان پیامبرانی قدیمی مانند هود و صالح(ع) خودداری کرده باشد و قرآن به اقتضای شرایط مخاطبانش، از آن پیامبران سخن می‌گوید.

۴-۲. فقدان دلیل روشن از جانب هود(ع) بر نبوتش

کاب ضمن بیان تهمت‌هایی که قوم حضرت هود(ع) در برابر دعوت توحیدی وی داشتند، در علت‌یابی این مسأله، این عقیده انحرافی را به قرآن نسبت می‌دهد که این پیامبر الهی، دلیل روشنی بر دعوی خود نداشته است. وی در این باره می‌گوید:

« در قرآن هود(ع) صراحتاً پیامبری خوانده می‌شود که خداوند او را به نزد قومی کافر (قوم عاد) فرستاده است. به رغم تهمت‌های عادیان که هود(ع) را دروغگو و سفیه (اعراف: ۶۶) می‌خواندند و به رغم خودداری ایشان از ترک پرستش بت‌ها در زمانی که او هیچ «دلیل روشنی» برای اثبات ادعایش نداشت (هود: ۵۳)، وی هم‌چنان بر دین خود پافشاری می‌کرد. » (Cobb, 2002: 2/462)

۴-۴-۲. بررسی

کاب برای اثبات ادعای خود مبنی بر این که هود(ع) دلیل روشنی از سوی پروردگارش بر نبوتش نداشت، به این آیه‌ی قرآن تمسک جسته است: ﴿قَالُوا يَا هُوْدُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ

۱. باید توجه داشت که مطلب مدنظر، غیر از مطلبی است که بیان می‌کند معارف کتب آسمانی متناسب با جغرافیای نزولشان، ارائه شده‌اند و از جمله درباره قرآن معتقدند که معارف آن، با فرهنگ شبه جزیره عربستان تناسب دارد. (جابری، ۲۰۱۳: ۱۹۵؛ ابوزید، ۲۰۰۰: ۲۵). دیدگاه اخیر، از آن جهت نادرست است که معارف قرآن، به رغم نزول در منطقه‌ی خاص شبه جزیره، از ویژگی جهان‌شمولی برخوردارند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶۱/۴-۱۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳۰/۱)، بنابراین، نزول کتب آسمانی، موافق با پیش‌زمینه‌های ذهنی مخاطبان، لزوماً به معنای تناسب آن، با فرهنگ مخاطبانش نیست.

وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٥٣﴾ (هود: ۵۳) اما این آیه نمی‌تواند دلیلی بر ادعای وی باشد؛ زیرا آیه پیش گفته صرفاً بیانگر ادعای مشرکان قوم هود(ع) نسبت به سخن و دعوت اوست که واقعیت ندارد.

بر این اساس، همان‌طور که نسبت کذب و سفاهت به حضرت هود(ع) تهمتی از جانب عادیان بوده است و کاب به درستی برای بیان این مفهوم از عبارت «به رغم تهمت‌های عادیان» استفاده کرده است، مناسب بود که وی قبل از بیان عبارت «در زمانی که او هیچ دلیل روشنی برای اثبات ادعایش نداشت» نیز به تهمت بودن این عبارت اشاره می‌کرد.

ظاهراً چنین تعبیری از سوی کاب فراتر از یک سوء تعبیر است. وی دلیل نداشتن هود(ع) را بهانه‌ای بر ناراستی داستان حضرت هود(ع) توسط پیامبر اسلام(ص) قرار داده است که پیشتر بدان پرداخته شد. به عبارت دیگر، با توجه به این که داستان حضرت هود(ع) برای مخاطبان زمان نزول قرآن، ماهیت تاریخی داشته و صحت و سقم آن، تنها از طریق روایت قابل راستی آزمایی بود نه حقیقت بیرونی، کاب خواسته است، از این مسأله برای خدشه دار کردن اعتبار روایی قرآن از داستان حضرت هود(ع) استفاده کند. از این رو، به طور مستقیم با خود حضرت هود(ع) و ادعاهایش کاری نداشته -و لو این که آخر سر، هدفش زیر سؤال بردن داستان هود(ع) است- بلکه می‌خواهد روایت نبوی را مخدوش جلوه داده و آن حضرت را متهم به داستان سازی نماید. علاوه بر این، دلایل خاص قرآنی و عقلی دال بر اثبات پیامبری حضرت هود(ع) و صاحب حجت و معجزه بودن ایشان وجود دارد که در ادامه به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

اولین عکس‌العمل دعوت شدگان به انجام کاری همواره فهم دلیل انجام آن کار است. از این رو، هر انسان عاقلی همیشه دلیل و بینة روشنی برای کارهای خود دارد. پس، چگونه ممکن است پیامبری مانند هود(ع) که برای رسالتی عظیم به سوی مردم فرستاده شده است، برای کار خود دلیل نداشته باشد؟ یا این که پیامبر اسلام(ص) با آن شخصیتی که قرآن معرفی می‌کند داستانی نقل کند که سازگاری دورنی بین اجزای آن داستان وجود نداشته باشد؟!

بنابر برخی آیات قرآن که وجود دلیل روشن برای همه پیامبران را ضروری می‌داند (آل عمران: ۱۸۴؛ نحل: ۴۴)، می‌توان گفت قطعاً همه پیامبران، برای اثبات حقانیت خویش، دلایل روشنی عرضه کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹۰/۲؛ همو، ۱۴۱۲: ۲۲۶/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴۴۸/۱؛ کاشانی، ۱۳۴۰: ۳۹۵/۲). از این رو، بدون شک هود(ع) نیز دلیل روشنی ارائه کرده بود، ولی قوم او به سبب کبر و غروری که داشتند مانند سایر اقوام لجوج، آن را انکار کردند. پس، کاب نمی‌تواند بر اساس ادعای مشرکان درباره حضرت هود(ع) مبنی بر نداشتن دلیل روشن برای دعوتش از آن حضرت نفی دلیل روشن کند، در حالی که صریح قرآن بیانگر وجود دلایل روشن همراه با همه پیامبران است.

«آنچه در آیات قبل از آیه ۵۳ سوره هود آمده است؛ یعنی دعوت به سوی خداوند یگانه، نفی هر گونه شرک و بت‌پرستی، بازگشت به سوی او و استغفار از گناهان (هود: ۵۰-۵۲)، تماماً مسائلی هستند که اثبات آن با دلایل عقلی بدیهی امکان‌پذیر است. بنابراین، حتی اگر هود(ع) برای ادعاهای فوق دلایل خود را به زبان

نمی‌آورد، هر انسان پاک فطرتی با نهایت یقین به آن‌ها اعتراف می‌کرد و با جان دل صحت این سخنان را می‌پذیرفت. «(قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۳۷/۵)

بر اساس مطلب فوق، اگر منظور مشرکان از نفی «بینه»، نفی دلیل عقلی بوده باشد - که با سیاق آیه ۵۳ سوره هود هم موافق‌تر است - مسلماً سخن آن‌ها غیرمنطقی است؛ زیرا همه مواردی که حضرت هود(ع) بیان کرده، بر دلایل عقلی استوارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳۵/۹-۱۳۶). ضمن این که جمله «ما هرگز به سبب سخنان تو، بت‌های خود را فراموش نمی‌کنیم» در آیه ۵۳ سوره هود، به خوبی بیانگر غیرمنطقی بودن سخن آن‌ها در برابر دعوت هود(ع) است. هم‌چنین متهم ساختن هود(ع) به تأثیرپذیری‌اش از خشم بت‌ها در آیه بعدی، دلیل دیگری بر اتخاذ رویکرد غیرعقلانی از سوی آن‌ها در برابر دعوت وی است.

اما اگر مقصود مشرکان، ارائه معجزه توسط حضرت باشد، این درخواست آن‌ها چیزی جز بهانه‌جویی نبوده است؛ زیرا اگر کسی سخن حق و منطقی را نپذیرد، با آوردن معجزه هم نخواهد پذیرفت؛ چون معجزه دلیلی بر حقانیت نبوت یک نبی و اتصال وی به خداوند از طریق وحی است، نه اثبات مسائل اعتقادی مانند توحید و نفی شرک که مبتنی بر فطرت و دلیل عقلی است؛ چنان که حجیت معجزه هم از راه همین عقل به اثبات می‌رسد. از این رو، اگر این‌ها پایبند به دلایل عقلی نبوده، پیشاپیش تصمیم خود را مبنی بر عدم پذیرش دعوت حضرت هود(ع) گرفته باشند، در این صورت، دیگر وجود و عدم وجود معجزه تأثیری در تصمیم آن‌ها نخواهد داشت.

بدین ترتیب، لجاجت قوم عاد بر تأثیرگذاری بت‌ها بر سرنوشتشان و عادتشان به انجام برخی گناهان، مانع آن می‌شد تا دلایل و معجزات پیامبری همچون هود(ع) را قبول کنند؛ چنانکه امروز نیز برخی افراد با توجیه برخی گناهان، همواره سعی دارند تا دلایل عقلی و نقلی معتبر را که دانشمندان برای آن‌ها ارائه می‌کنند، به هر نحوی نفی کنند. (طیب، ۱۳۷۸: ۶۸/۷-۶۹)

محتمل است که ادعای مشرکان مبنی بر عدم ارائه «بینه» از سوی هود(ع) در آیات مورد بحث، مرتبط با معجزات اقتراح‌ی باشد. همان طور که طبق آیات قرآن، مشرکان مکه به رغم دلایل فراوانی که پیامبر(ص) بر حقانیت خود ارائه کرده بود، از وی درخواست‌های عجیب و غریب و پیاپی می‌کردند: از جمله این که چرا پیامبر اسلام(ص) نهرها و چشمه‌های آب جاری از بیابان خشک مکه ظاهر نمی‌کند؟ چرا قصری از طلا ندارد؟ چرا به آسمان صعود نمی‌کند؟ چرا نامه‌ای از سوی خدا از آسمان برای آن‌ها نمی‌آورد؟ چرا کوه صفا را به طلا تبدیل نمی‌کند؟ چرا تکه‌ای از آسمان را به زمین و مقابل کافران نمی‌آورد؟ چرا خدا را نزد آنان حاضر نمی‌کند؟ چرا فرشتگان را نمی‌آورد؟ (اسراء: ۹۰-۹۳)

قرآن برای پاسخگویی به این بهانه‌جویان لجوج می‌فرماید: ﴿...قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (انعام: ۱۰۹)

با تمام این اوصاف، در آیه ۵۳ و ۵۴ سوره هود، حضرت هود(ع) یک تحدی و مبارزه‌طلبی کرده است که عدم جواب مشرکان حاکی از اعجاز الهی است که به هود(ع) داده شده است؛ آن جا که قرآن در جواب اتهام

مشرکان به تأثیرپذیری وی از خشم بت‌ها، می‌فرماید: ﴿...قَالَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ* مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنْظِرُونَ﴾ (هود: ۵۴-۵۵)؛

«طبق این آیه، برخلاف ادعای مشرکان، نه بت‌ها و نه مشرکان، هیچ یک، نمی‌توانند ذره‌ای آسیب به آن حضرت برسانند؛ چنان که عبارت «جمیعاً» در جمله «فَکَیْدُونِی جَمِیعاً ثُمَّ لَا تُنْظِرُونَ» اشاره دارد به این که هم بت‌ها و هم مشرکان از آسیب رساندن به هود(ع) عاجزند. با توجه به جمله مذکور، حضرت هود(ع) طی یک تحدی، علاوه بر نفی بت‌ها، عملاً عقاید مشرکان درباره اثرگذاری بت‌ها بر آن حضرت را نیز باطل می‌سازد. بنابراین، آیات پیش‌گفته، علاوه بر آن که مشتمل بر حجتی عقلی بر بطلان الوهیت بت‌ها بوده، نشانه‌ای معجزه‌آسا برای صحت رسالت هود (ع) نیز است. «(طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۲/۱۰)

۳. نتیجه

پل ام کاب یکی از خاورشناسانی است که پژوهش‌هایی درباره اسلام و قرآن انجام داده است. یکی از پژوهش‌های وی در مورد حضرت هود(ع) در قرآن است. پژوهش او در این باره، به رغم جدید بودن روش بحث آن، مانند سایر پژوهش‌های خاورشناسان، عمدی یا سهوی دچار آسیب‌هایی است. اولین آسیب پژوهش کاب آن است که وی درک درستی از ارتباط داستان حضرت هود(ع) با جریان‌ات زندگی پیامبر اسلام(ص) ندارد و به جای حل این مسأله، به دنبال آن است که کلیت داستان حضرت هود(ع) را انکار کند. آسیب بعدی پژوهش او نقل جزئیات داستان حضرت هود(ع)، بدون مراجعه کتب شیعه و تنها بهره‌گیری از کتاب‌های نویسندگانی چون کسایی، ثعلبی و طبری است. برخی روایات این کتب، منقول از راویانی چون وهب بن منبه است که در نقل اسرائیلیات شهرت دارند. هم‌چنین، جزئیات مطرح شده در کتب اهل سنت، بعضاً، برخلاف مبانی قرآنی و عقلی‌اند که برای خداوند شأنیت استجاب، برای یاران حضرت هود(ع) ارزش و منزلت دوری از گناهان و برای مشرکان عدم شأنیت و اهلیت برای رویارویی با خدا قائل‌اند. علاوه بر این، روایات این کتب برخلاف اهداف کلی داستان است که می‌گوید فرستادگان به قصد طلب آب و راز و نیاز با خداوند به مکه مشرف شده بودند، ولی از رسالت خود صرف‌نظر کرده و قوم خود را فراموش نموده و آنها را به حال خود رها کردند. آسیب دیگر پژوهش کاب آن است که وی داستان زندگی حضرت هود(ع) را ابداع خود پیامبر(ص) دانسته است، در حالی که دلایل قرآنی، روایی، تاریخی و عقلی گواه آنند که داستان زندگی حضرت هود(ع) و قومش، یک حقیقت تاریخی بوده که آثار آن هنوز پابرجاست. آخرین آسیب پژوهش کاب آن است که وی با استناد به برخی آیات، معتقد است حضرت هود(ع) هیچ دلیل روشنی برای اثبات ادعای خویش نداشته است. این دیدگاه او نشان از آن دارد که وی درک درستی از روش بیان قرآن ندارد؛ با توجه به آیات بسیاری از قرآن، همه پیامبران با دلایل روشن به سوی مردم مبعوث شده‌اند و علت مخالفت قومشان با آنها، تنها لجاجت و سرسختی در برابر پذیرش حق، به دلیل اشتغال به موهوماتی که بر آنها پافشاری می‌کردند، بوده است. ضمن این که آیه‌ی مورد استناد وی در روشن نبودن دلیل حضرت هود(ع)، از زبان مشرکان و در بیان تهمتی بوده است که آنها بر زبان آورده‌اند.

منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۸۵ش)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، سلیمان زاده.
۲. ابوزید، نصر حامد، (۲۰۰۰م)، *مفهوم النص: دراسته فی علوم القرآن*، المركز الثقافی العربی، دارالبیضاء.
۳. ثعلبی، ابو اسحاق احمد بن محمد، (بی تا)، *قصص الأنبياء*، بیروت، المكتبة الثقافیه.
۴. جابری، محمد عابد، (۲۰۱۳م)، *مدخل الى القرآن الکریم فی التعریف بالقرآن*، بیروت، مرکز دراسات الوحده العربیه.
۵. رضایی هفتاد، حسن و وحید عمولر، (۱۳۹۴ش)، «نقد پژوهش هربرت بوسه درباره یونس(ع)، *قرآن پژوهی خاورشناسان*، شماره ۱۹، پاییز و زمستان.
۶. ریاحی مهر، باقر، (۱۴۰۳ش)، «ارزیابی رویکرد نقد منبع در مطالعات اسلامی و قرآنی خاورشناسان معاصر»، *دین پژوهی و کارآمدی*، دوره ۴، شماره ۴، زمستان.
۷. دزفولیان، کاظم و غلامرضا رفیعی، (۱۳۹۴ش)، «ساختار قصه در قصص الأنبياء کسای»، *متن پژوهی ادبی*، شماره ۶۴، تابستان.
۸. رامین نژاد، رامین، (۱۳۸۷ش)، *مزار پیامبران*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۹. رسولی محلاتی، هاشم، (۱۳۸۲ش)، *تاریخ انبیاء*، قم، موسسه بوستان کتاب.
۱۰. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتاب العربی.
۱۱. سمعانی، عبدالکریم، (۱۹۸۰م)، *الانساب*، حیدرآباد، مطبعه مجلس دائرة المعارف العثمانیه.
۱۲. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۹۵ش)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲ق)، *تفسیر جوامع الجامع*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۱۶. طبری، محمد بن جریر، (۱۹۶۷م)، *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۵۶ش)، *ترجمه تفسیر طبری*، مترجمان، تهران، انتشارات توس.
۱۸. طیب، عبدالحسین، (۱۳۷۸ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام.
۱۹. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ش)، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۰. کاشانی، ملا فتح الله، (۱۳۴۰ش)، *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۲۱. کراجکی، محمد بن علی، (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، تحقیق عبدالله نعمت، قم، دارالذخائر.
۲۲. کسای، محمد بن عبدالله، (۱۹۹۸م)، *بدء الخلق و قصص الانبیاء*، تحقیق طاهرین سالمه، تونس، دارالنقوش العربی.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، موسسه الوفاء.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. منقری، نصر بن مزاحم، (۱۴۰۴ق)، *وقعه صفین*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتبه آیة الله المرعشی النجفی.
۲۷. ورام، مسعود بن عیسی، (۴۱۰ق)، *مجموعه ی ورام*، قم، مکتبه فقیه.
۲۸. یاقوت حموی، شهاب الدین، (۱۹۹۵م)، *معجم البلدان*، بیروت، دارصادر.
۲۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (بی تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارصادر.

30. Cobb, Paul M., (2002), «Hūd», *Encyclopaedia of the Qur'an*, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill.
31. Goldman, Shalom, (2003), «Joseph», *Encyclopaedia of the Qurān*, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill.
32. Hasson Isaac, (2001), «David», *Encyclopaedia of the Qur'an*, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill.
33. Rubin, Uri, (2003), «Muhammad», *Encyclopaedia of the Qur'an*, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden, Brill.